



کابل اخبار مواعظ شریعت

@MoallemanNews



عصیر القواعد

- بعد از محدود می‌آیند.
- صفت محدود خود هستند.

- واحد، واحدة
- اثنان، اثنین، اثنتان، اثنتین

- بینشان «و» نمی‌آید.

- احد عشر، اثنا عشر، ثلاثة عشر ... تسعة عشر

- نامشان «عقود» است.
- گاهی «ین» می‌گیرند.

- عشرون، ثلاثون، أربعون، خمسون ... تسعون

- صدگان + یکان + دهگان
- بینشان «و» می‌آید.

- أربعة و ثلاثون، خمسة و تسعون و ...
- مائة و خمسة و سبعون، ثلاثة و سبعة و ثمانون

اصلی

یک، دو، سه، چهار و ...

- به غیر از «الأول» بقية این اعداد بر وزن «فاعل» هستند.

- الأول (الأولى)، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس، السادس ... العاشر

- «الحادي عشر» راخوب به خاطر بسپارید.

- الحادي عشر، الثاني عشر، الثالث عشر، الرابع عشر ... التاسع عشر

- تفاوتشان با شمارشی‌ها در «آل» است.
- با «ین» هم به کار می‌روند.

- العشرون، الثلاثون، الأربعون، الخمسون ... التسعون

- صدگان + یکان + دهگان
- تمام قسمت‌ها «آل» دارند.

- الرابع والثلاثون، الخامس والتسعون و ...
- المائة والخامس والتسعون، الثلاثة والسبعين والسابع والثمانون

یکم، دوم، سوم، چهارم ... یا «نخستین، دومین، سومین ...»

ترتیبی

اعداد

جمع و مجرور

٣ - ١٥

فرد و منصوب

بالاتر از ١٠

فرد و مجرور

مائة، ألف

محدود

زاد (+) / ناقص (-) / في (×) / تقسیم على (÷)

العمليات الحسابية

جای خالی اول ← الفاعلة

الساعة و دقيقة

جای خالی دوم ← عدد اصلی

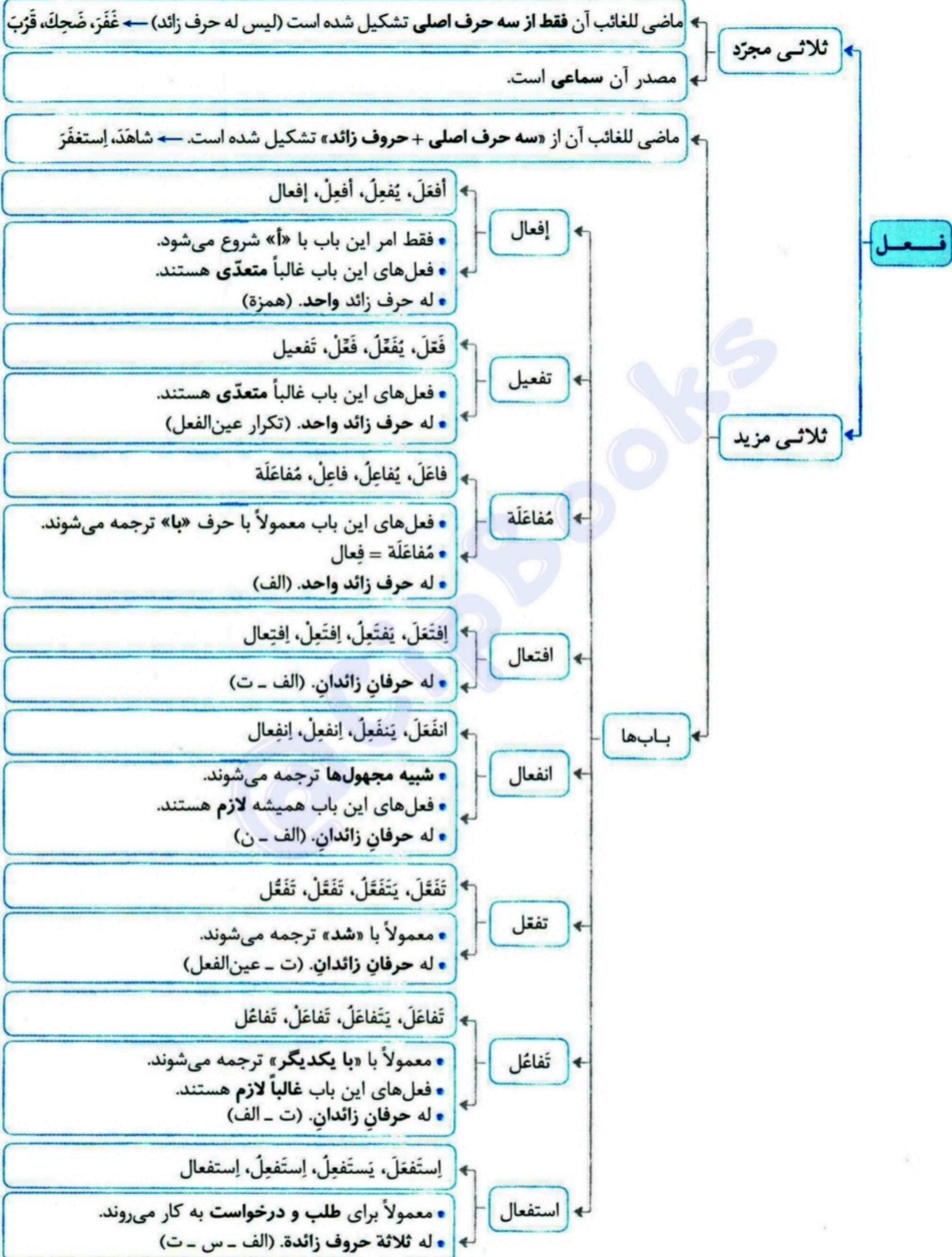
بيان ساعت

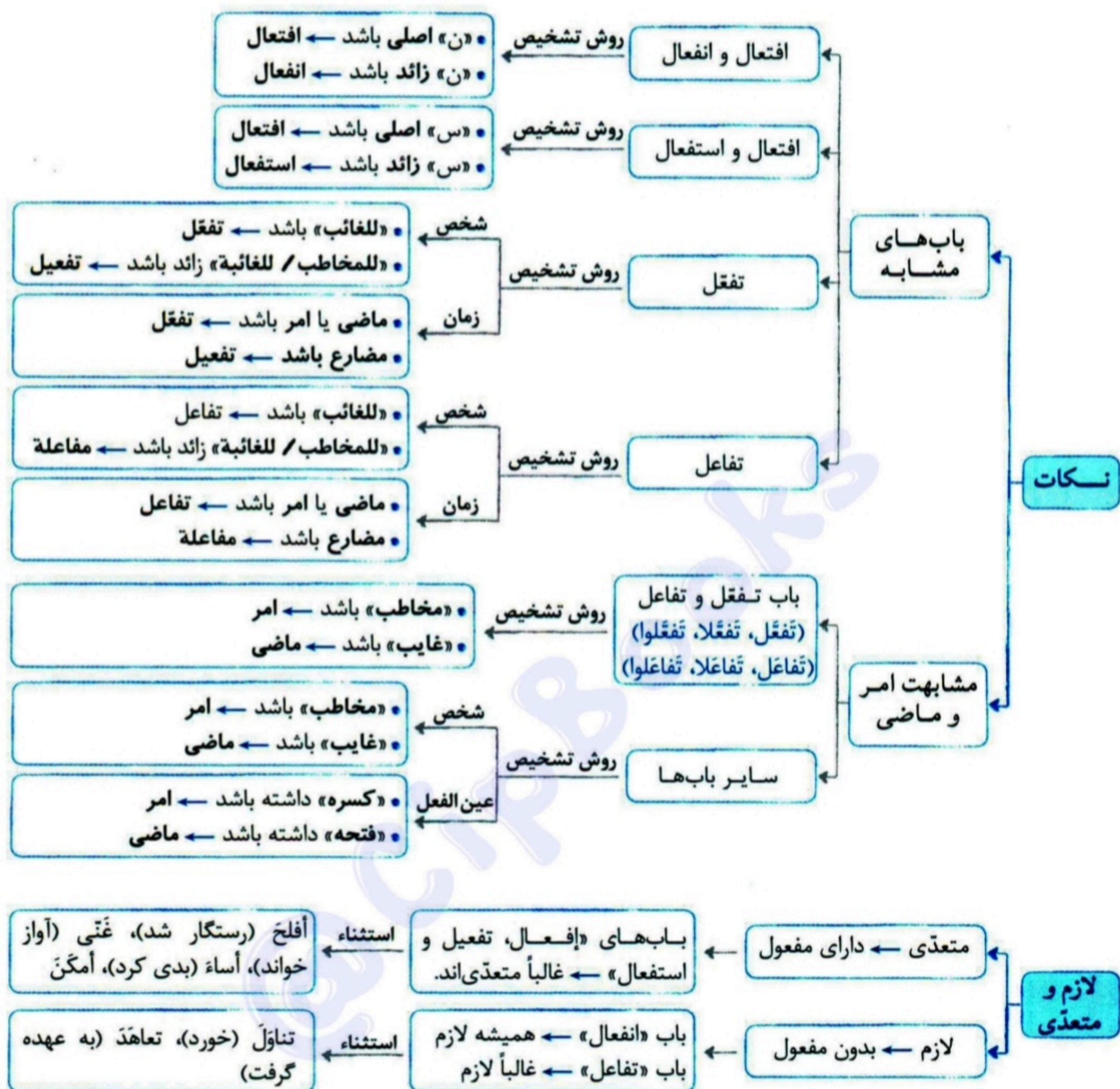
جای خالی اول ← الفاعلة (ساعت واقعی + ١)

الساعة إلا دقيقة

جای خالی دوم ← عدد اصلی (گاهی «ربعاً»)

عصیر القواعد





عصیر القواعد

الوحدة خَيْرٌ من جليس السوء! تنهائي

فبر
از همنشين بد، بهتر است.

الغيبة عَمَلٌ لا يحتجها الله! غيبت کاري

فبر
است که خداوند دوستش ندارد.

هذه شجرةٌ لا تنبت إلا في البرازيل!

فبر

من أَخْلَاقِ الجاهل الإِجَابَةِ قبل أن يسمع!

فبر
مبتدأ

اين عبارت دو جمله محسوب می شود.

نکته

السحاب بخاز يَتَرَاكُمْ في السماء!

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رسوله بالهدى)

اسمی است که غالباً در ابتدای جمله می آید.

مرفوع است ← «ك، ه، ان، ون»

مبتدأ

غالباً با «است» ترجمه می شود.

فقط یک کلمه است.

مرفوع است.

اسم اشاره + اسم بدون «ال»

فبر

اسم
(فرد)

تشخيص

دماوند مِنْ أَعْلَى جبل في آسيا!

فبر

خبر جار و مجرور گاهی زودتر از

مبتدأ می آید.

جار و
مجرور

خبر مقدم

فِي الرَّبِيعِ غصون الأشجار نَضَرَةٌ

فبر
مبتدأ
زائد

فعل
(جملة
فعليه)

دام

حسن الْأَدْبِ يَسْتَرُ قُبْحَ النَّسْبِ.

فبر
مبتدأ

نکره + فعل ...

فعل
(جملة
فعليه)

دام

موصول + فعل ...

جملة اسمیه

تعداد جملات فعلیه = تعداد فعل‌ها
(معلوم و مجهول)

هر فعل معلوم یا مجهول نشان‌دهنده یک جمله فعلیه است.

تعريف

تلثیم جروح القطّ بسائل ٌتفرزه ٌ عدد فی لسانه! فاعل

(زخم‌های گریه با مایعی بهبود می‌یابد که غدمه‌ایی در زبانش آن را ترشح می‌کنند)

- چه کسی + فعل؟
- چه چیزی + فعل؟

شناخت

- از نظر جنس با فعل مطابقت دارد.
- مرفوع است ← «ثُّ، ان، ونَ»
- هرگز قبل از فعل نمی‌آید.

فاعل

مشخصات

فقط در للغائب و للغائبة

اسم ظاهر

شناسته آخر فعل (غیر از «ث»)

ضمیر بارز

فعال‌های بی‌شناسته

ضمیر مستتر

انواع

جملة فعلیه

اجتمع كُلَّ التلاميذ في المجتمع!
فاعل

فاعل فقط یک کلمه است.

نکات

شاهدوا الغواصون مئات المصاصي في البحر!
فعل

در حضور فاعل، فعل مفرد می‌آید.

منصوب «ث، ث، ين، ينَ»

﴿أَرْسَلْنَا إِلَى فَرْعَوْنَ زَسْوَلاً فَقَصَى فَرْعَوْنَ الرَّسُول﴾
مفعول
مفعول

پیامبری را به سوی فرعون فرستادیم و فرعون از آن پیامبر نافرمانی کرد.

مفعول یا متمم فارسی

تشخیص

مفعول به

- فعل غیرماضی + نا ← «نا» حتماً مفعول است.

نکته

- ماضی + نا ← شاهدنا (نا: فاعل)

شاهدنا (نا: مفعول)

فعل + ضمیر اضافی

مفعول

نکته

- فعل لازم ← مفعول ندارد.
- فعل متعدد ← مفعول دارد.

عصیر القواعد

علامت آخرشان ثابت بوده و ارتباطی با نقش آنها در جمله ندارد.

تعريف

مبني

هذان، هذين، هاتان، هاتين

استثناء

ضمایر

اسم‌های اشاره

اسم‌های استفهام

أغلب موصولات

اسم‌ها

گروه‌ها

فعل ماضی

فعل امر مخاطب

جمع مؤنث مضارع

فعل‌ها

علامت آخرشان با توجه به نقش کلمه در جمله تغییر می‌کند.

تعريف

نشانه

معراب

اسم‌هایی که «ة»، «ال»، «تنوين» و نشانه‌های مثنی و جمع سالم دارند، حتماً معراب هستند.

مرفوع بالضمة — ة، ئ

مرفوع بالألف — مثنی

مرفوع بالواو — جمع سالم مذکور

منصوب بالفتحة — ئ، ئـ

منصوب بالياء — مثنی و جمع سالم مذکور

مجرور بالكسرة — ئـ، ئــ

مجرور بالياء — مثنی و جمع سالم مذکور

مرفوع

منصوب

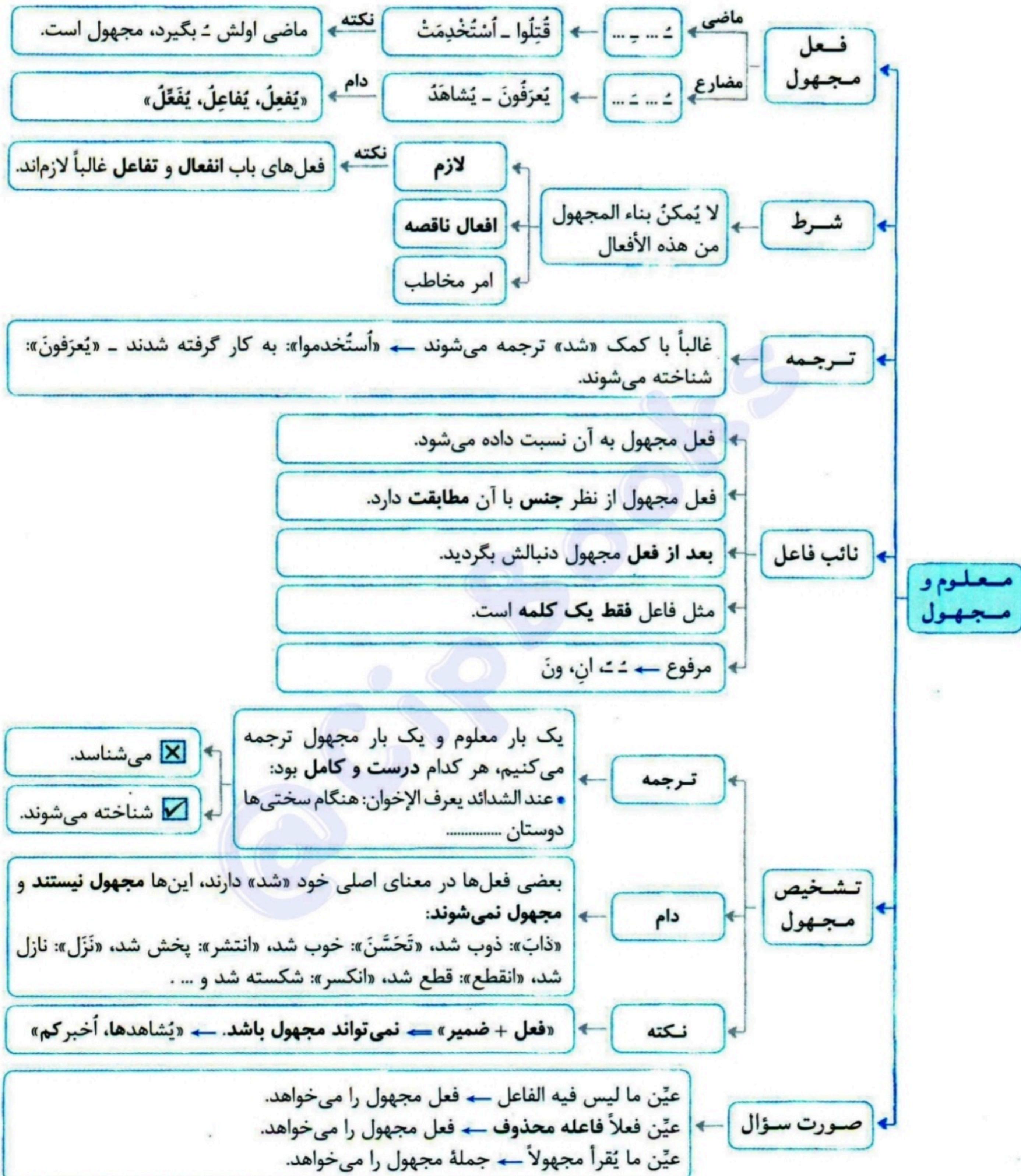
اعراب

مجرور

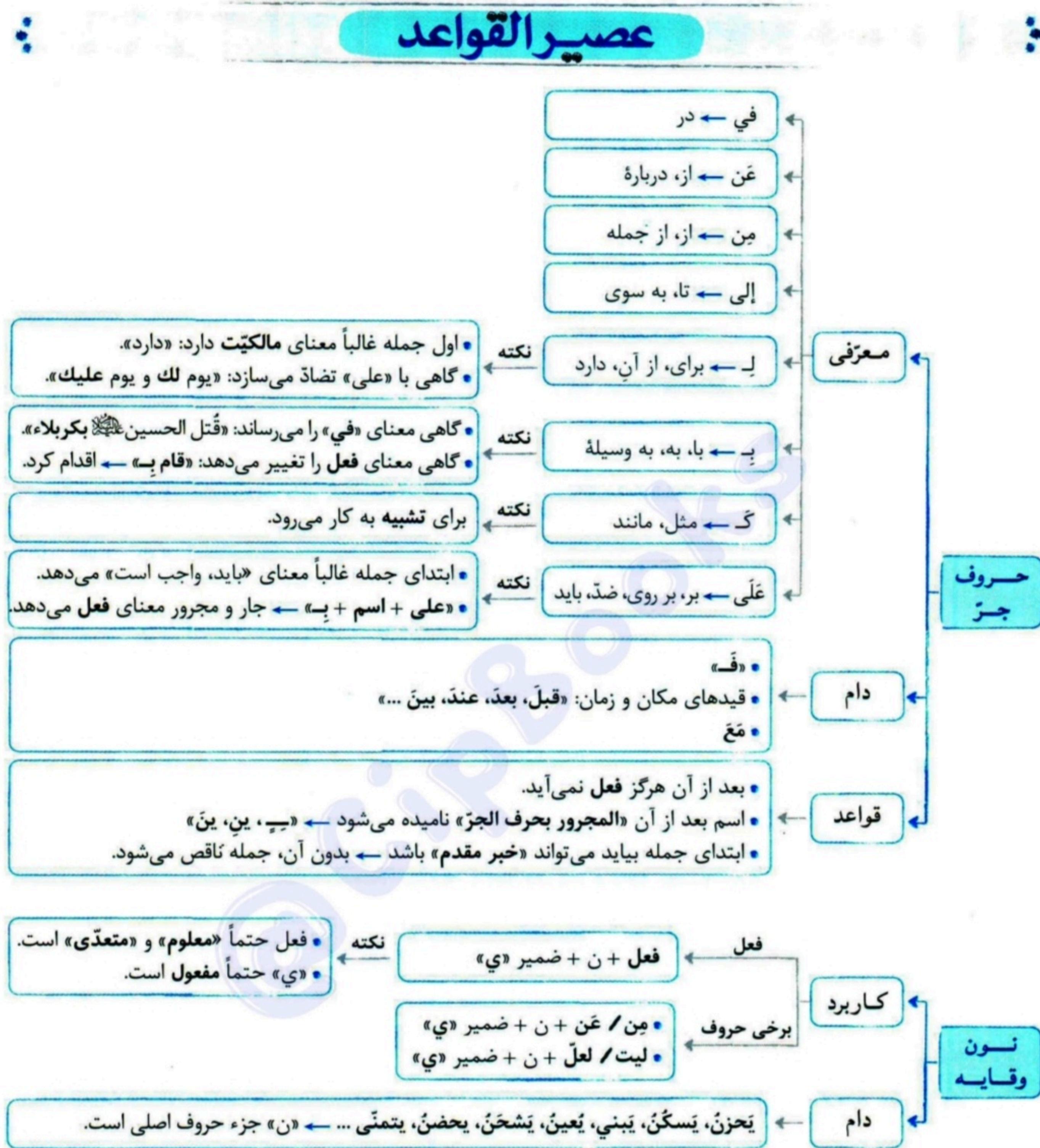
نکته

صفت در اعراب تابع موصوف خود است.

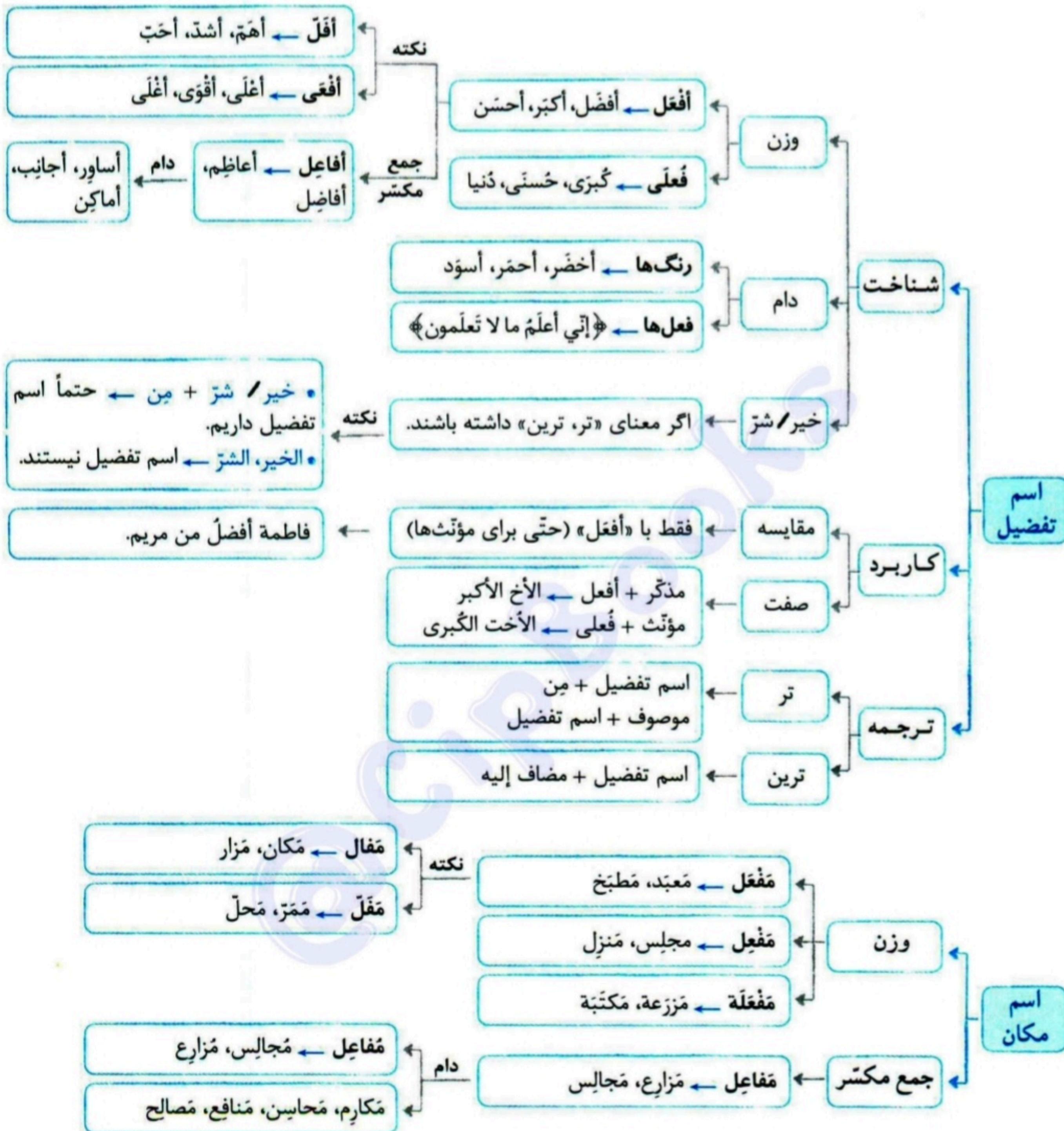
عصیر القواعد



عصیر القواعد



عصير القواعد



عصیر القواعد

فاعي ← قاضي، راضية
أعيل ← آخر، أسف
فال ← حاج، دابة

فعال ← طلاب، جهال
فعلة ← ورثة، طلبة
فعة ← قضاة، عدالة

م...ي... ← مجيب، مستقيم
مفل ← مجد، محب

مفعتي ← مهدى، مرضية

مفاعيل ← محاصيل، مكاتب

باب های **انفعال** و **تفاغل** اسم مفعول ندارند.

فاعل ← صادق، الصالحات، كافرون

اسم فاعل

م...ي... ← مقاتل، مؤمن

اسم مفعول

مفقول ← مجموع، موضوعات، مظلومين

أوزان
الأسماء

فعال، فعالة

للدلالة على صفة ← ضبار، علامة

للدلالة على حرفة ← فلاح، طيار

للدلالة على آلة ← نظارة، فتاحة

- **«فعالة»** مبالغه اش از «فعال» بيشتر است.
- اسم مبالغه از فعل مجرد ساخته می شود.

«فعال» را با «فعال» اشتباہ نگیرید.

دام

اسم مبالغه

أنواع

نکته
جمع
مكسر

نکته
جمع
مكسر

نکته

مجرد
مزيد

مجرد
مزيد

عصیر القواعد

• ادات شرط + فعل ... + فعل ...

• ادات شرط + فعل ... + فعل

ساختار کلی

إن (اگر، چنان‌چه)، من (هر کس، کسی که، کسانی که)
ما (هر چه، آن‌چه)، إذا (هرگاه، هر وقت، وقتی، اگر)

ادوات شرط

• دقیقاً کنار ادات شرط می‌آید.
• اگر مضارع باشد مجزوم می‌شود. (حذف نون، سکون، کسرة عارضی)
• غالباً نمی‌تواند امر یا نهی باشد.

فعل شرط

• اگر مضارع باشد مجزوم می‌شود. (حذف نون، سکون، کسرة عارضی)
• اگر فعل ماضی ساده یا مضارع ساده نباشد با «فَ» آغاز می‌شود. (فاء جزاء)

جواب شرط

• با جملات اسمیه ← مَنْ عَلِمَ عَلِمًا فَلَهُ أَجْرٌ مِّنْ عَمَلِهِ.
• با فعل امر و نهی ← إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا / مَنْ يَكْرَهَ الْكَذَبَ فَلَيَصُدُّهُ دَائِمًا.
• با افعال مستقبل ← إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءَكَ فَسَوْفَ يَشْنَبَهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

اجزای شرط

• فعل شرط ← غالباً به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.
• جواب شرط ← غالباً به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.
• فعل شرط یا جواب شرط اگر ماضی هم باشند می‌توانیم به صورت مضارع ترجمه کنیم.
• جواب شرط را می‌توان به صورت مستقبل هم ترجمه کرد.

کاربرد «فَ»

• «إِذَا» مجزوم کننده نیست.
• فعل شرط یا جواب شرط ممکن است وابسته‌هایی داشته باشند که با حروف «و، او، ثم و ...» بیایند، آن‌ها را نباید جزو فعل شرط یا جواب شرط حساب کنیم.

نکات کلی

• در ابتدای جملات شرطیه می‌آیند.
• فقط کنار فعل می‌آیند.
• می‌توانند دو فعل مضارع را همزمان مجزوم کنند.
• می‌توانند ماضی را به مضارع تبدیل کنند. (در معنا)

شرطیه

• در ابتدای جملات «پرسشی» می‌آیند.
• در ظاهر و معنای فعل‌ها تأثیری ندارند.

استفهام

• در ابتدای یا وسط جمله می‌آیند.
• در ظاهر و معنای فعل‌ها تأثیری ندارند.

موصول

• همراه فعل ماضی یا مضارع آمده و آن را منفی می‌کند.
• در ظاهر فعل‌ها تأثیری ندارد.
• حرف است و در جمله نقش ندارد.

«ما»ی نافیه

أنواع «من» و
«ما»

جملات
شرطیه

عصیر القواعد

اسم انسان‌ها، شهرها، کشورها، رودها، تیم‌ها، ماه‌ها و ...

اسم‌های علم ممکن است تنوین یا «ال» داشته باشند.

در مورد خداوند فقط «الله» اسم علم است.

«اسم + ی» اسم علم نیست ← إيراني، برازيل

گاهی یک کلمه فقط ظاهرش شبیه اسم علم است
← إجعلِ اليوم سعيداً و كثير الْبَرَّات!

نکات

اسم علم
(خاص)

دام

ال + نکره

معرف بآل

الحسين، الله، ألوان، التفات

دام

ضمیر، اسم اشاره، موصول

هر اسمی که به ضمیر متصل شود، معرفه است.

نکته

نکره + معرفة

معرف بالإضافة

معارف

نکره‌ها غالباً بی‌نشانه‌اند، هر اسمی نکره است، مگر این‌که خلافش ثابت شود.

رأيَتْ طفلاً، الطَّفْلُ يَبْكِي:
کودکی را دیدم، آن کودک
گریه می‌کرد.

اگر اسم نکره‌ای بیش از یک بار در جمله به کار برود، فقط بار
اول نکره می‌آید و دفعه دوم با «ال» می‌آید. این «ال» حکم
اسم اشاره را دارد و به صورت «این» یا «آن» ترجمه می‌شود.

نکرات

معرفه و
نکره

الغابة: جنگل - الأشجار الكثيرة:
درختان زیاد

به صورت عادی ترجمه می‌شوند.

معرفه‌ها

غابة: جنگلی، یک جنگل
أشجار کثیره: درختان بسیار،
درختان بسیاری

با «ی» یا «یک» ترجمه می‌شوند.

نکره‌ها

بداخلاقی، ایرانی و ...

بعضی از انواع «ی» نشانه نکره بودن نیست.

ابني فائم في البيت: پسرم در
خانه خواب است.

خبر اگر اسم نکره تنها باشد، به صورت
معرفه ترجمه می‌شود.

الشجرة التي: درختی که ...

معرفه‌ای که با موصول، همراه شود،
شبیه نکره‌ها ترجمه می‌شود.

نکات

ترجمه

گاهی همراه اسم یا فعل ماضی می‌آید که در آن صورت حرف ناصبه نیست!

حرف «آن» وقتی با «لا» باید معمولاً به صورت «آلا» نوشته می‌شود!

- معنی «برای این‌که» می‌دهد!
- معمولاً بعد از یک جمله کامل می‌آید!
- برای علت‌آوردن به کار می‌رود.

عوامل مؤثر بر فعل مضارع

برای ایجاد مستقبل منفی به کار می‌رود.

این حروف (به غیر از «لن») وقتی با مضارع بیایند، مضارع التزامی می‌سازند.

حذف نون (غیر از جمع‌های مؤنث)

فعل‌های «ن»‌دار

آخر فعل فتحه می‌گیرد.

فعل‌های بدون «ن»

تأثیر ظاهری

عصير القواعد



عصیر القواعد



عصیر القواعد

۲۵۴ / ۸۰

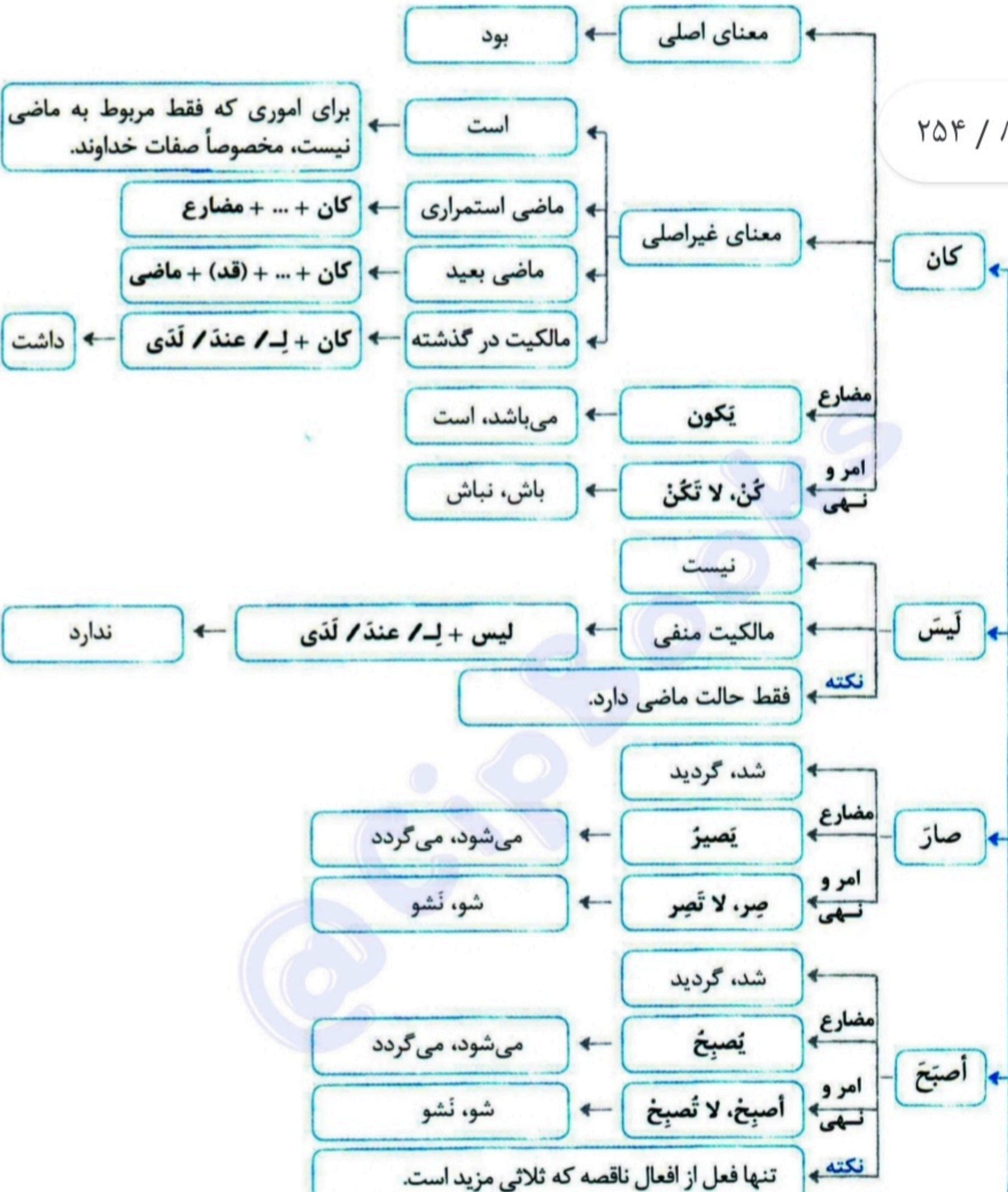
برای اموری که فقط مربوط به ماضی نیست، مخصوصاً صفات خداوند.

کان + ... + مضارع
کان + ... + (قد) + ماضی
کان + لـ / عندـ / لـ دی
داشت

لـ / عندـ / لـ دی
ندارد

می شود، می گردد
شو، نشو

این افعال همراه جملات اسمیه می آیند و اسمشان مرفوع و خبرشان منصوب است.



افعال ناقصه

قاعده

عصیر القواعد

در ترجمه باید اول جمله بباید.

همان، یقیناً ...

اگر به شکل «إنما» بباید، معنايش تغيير می کند: «فقط، تنها و ...»

إنَّ

بر کل جمله پس از خود تأكيد می کند ← يُؤكِّد على كُلْ جملة بعدها.

كَه

أنَّ

وسط دو عبارت می آید و آنها را به هم وابسته می کند. ← يَرْبِطُ الجملتينِ.

اما، ولی

وسط دو عبارت می آید برای کامل کردن جمله اول و رفع ابهام از آن. ← يَكْتُلُ
جملة قبله و يرفع الإبهام عنه.

لَكَنَّ

آن را با «لكن» اشتباه نگیرید.

گویی، مانند، همچون و ...

كَأَنَّ

گاهی برای تشبيه و گاهی برای حدس و گمان و تردید به کار می رود. ← للتشبيه أو للظن و التخمين

حروف مشبهة
بالفعل

کاش، ای کاش

برای بیان آرزوهای محال یا غیرممکن به کار می رود. ← لتمتی غیر ممکن او ما
لا نرجو وقوعه.

ليَث

- ليَث ... + مضارع ← مضارع التزامي
- ليَث ... + ماضى ← ماضى استمرارى یا بعيد

شاید که، باشد که، اميد است که

لَعْلَّ

برای بیان اميدواری در امور همراه با تردید ← للرجاء (ترجمي) و التردد

لَعْلَّ ... + مضارع ← مضارع التزامي / لَعْلَّ ... + ماضى ← ماضى التزامي

قواعد کلى

• اين حروف با جمله اسميه مي آيند و اسم و خبر دارند.

• اسمشان منصوب و خبر آنها مرفوع است.

• هیچ وقت نباید همنشین فعل باشند. (ليَث ترجع ... ← غلط)

• با حضور در کنار ضمير منفصل هم مشکل دارند. (كَأَنَّ أنت ... ← غلط)

- به صورت امر منفی ترجمه می شود.
- آوردن «ناید» ممنوع!

«ناید» + مضارع التزامی

ترجمه

فعل مخاطب

ترجمه

فعل غيرمخاطب

لا + فعل مجزوم

ناهیه

به صورت مضارع منفی ترجمه می شود.

ترجمه

لا + فعل غيرمجزوم

نافیه

- حروف ناصبه + لا + مضارع \leftarrow حتماً «لا» نافیه است.
- گاهی مصدرها خودشان را به جای فعل قالب می کنند.

گاهی ترجمه اش ضروری نیست: «لا شک، لا
بأس و ...»

نکته

هیچ ... نیست / وجود ندارد

ترجمه

بعد از آن «ال»، تنوین و معرفه ممنوع!

نکته

لا + اسم

تشخیص

مفهوم «نفی کامل و شدید» را دارد.

کاربرد

نفی جنس

• اسم «لا» غالباً مفرد بوده و فتحه دارد.

قواعد

• خبر «لا» مرفوع است.

• خبر «لا» گاهی محدود است: «لإله إلا الله»

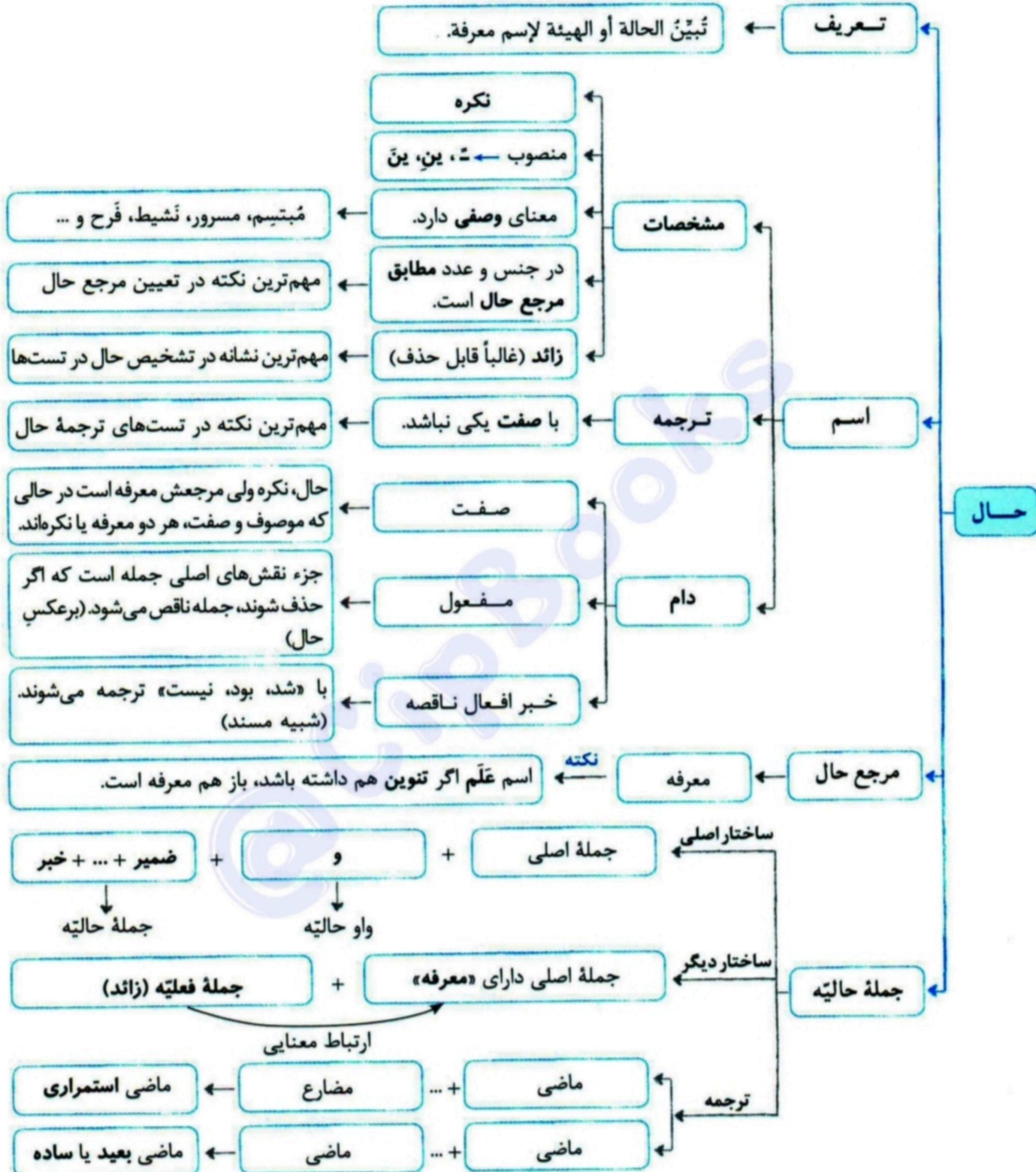
أنواع «لا»

گاهی در جواب «هل» یا «أ» می آید.

گاهی همراه اسم «ال» دار یا تنوین دار می آید. (یوم لا بیع فیه و لا خُلَّة / أَرِيدُ الْفُرْشَةَ لَا الْمَشَفَةَ)

به معنای «نه»

عصیر القواعد



عصر القواعد



عصیر القواعد



عصیر القواعد

